

بررسی کلامی و فقهی «ترجمه قرآن کریم» با تأکید بر دیدگاه سلفیه و نقد آن

محمدرضا ابراهیم‌نژاد*

دانشیار معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۰)

چکیده

دین اسلام آیینی جهان‌شمول با اصول و معارف اساسی و فراگیر است که عمده آن‌ها در قرآن کریم بیان شده است. اما شناخت آن‌ها برای غیر عرب‌زبانان تنها از راه ترجمه میسر است. از این رو، علمای مسلمان از دیرباز با مسئله ترجمه قرآن مواجه بوده‌اند و دو نگرش موافق و مخالف نسبت به این مسئله شکل گرفته است. بررسی پیشینه و سیر تاریخی نشان می‌دهد که موافقان ترجمه قرآن و مخالفان آن، از دو منظر کلامی و فقهی به مسئله نگریسته‌اند و دلایلی بر اثبات دیدگاه خود ارائه نموده‌اند. جهانی بودن اسلام از جمله ادله جواز، بلکه لزوم ترجمه قرآن است. از سوی دیگر، عواملی همچون گسترش اندیشه سلفی موجب مخالفت با ترجمه قرآن شده است. مخالفان که اغلب سلفی هستند، حدود پانزده دلیل، همچون نبود امکان ترجمه قرآن، خطر تحریف و بدعت ارائه نموده‌اند که تحلیل و بررسی آن‌ها نشان می‌دهد عموماً فاقد مبنای استوار و بنای درست بوده است و همگی قابل نقد است.

واژگان کلیدی: کلام، فقه، سلفیه، جواز ترجمه قرآن، حرمت ترجمه قرآن.

* E-mail: ebrahimnejad32@yahoo.com

مقدمه

اسلام آیینی است همگانی و جهان‌شمول که اصول و معارف آن در قرآن کریم متمرکز است. از این رو، همگان باید مضامین این کتاب مقدس را بشناسند و این امر برای افراد غیر عرب‌زبان، تنها از طریق ترجمهٔ قرآن میسر است. به همین سبب، از آغاز اسلام، پیوسته امت اسلامی، به‌ویژه عالمان و اندیشمندان با آن در ارتباط بوده‌اند و از آن بهره گرفته‌اند. در این راستا، روش‌هایی را کشف یا ابداع نموده، فرصت‌ها، تهدیدها، مانع‌ها، بایدها و نبایدهایی را تعیین کرده‌اند و در معرض افکار پژوهشگران قرار داده‌اند. لیکن این تحقیقات، اندیشمندان اسلامی را به نظریهٔ واحدی نرسانده‌است، بلکه دیدگاه‌ها و موضع‌های متفاوت ایجابی و سلبی در این زمینه وجود دارد. اختلاف‌ها به حدی است که یکی ازدو نگرش، ترجمهٔ قرآن را فرصت و ضرورت، و دیگری، آن را تهدید می‌بیند. از دیدگاه نخست، ترجمهٔ قرآن آبراهی حیاتی است که از مجرای آن، آب حیات به سرزمین دل‌های تشنه منتقل می‌گردد و آن‌ها را زنده می‌کند. از دیدگاه دوم نیز ترجمهٔ قرآن به مثابهٔ ایجاد رخنه‌ها و راه‌های نفوذ دشمنان به حصار محکم قرآن و اسلام است. هر دیدگاه نیز همواره طرفداران خود را با ادله و شواهد متناسب آن داشته‌است. از سوی دیگر، اندیشمندان مذاهب اسلامی، در باب فرایند ترجمهٔ قرآن از دو منظر کلامی (نظری) و فقهی (عملی) کنکاش کرده‌اند. بنابراین، دستیابی به موضع و دیدگاه بزرگان هر مذهب از طریق نگرش کلامی و فقهی آنان میسر است. این فرایند دربارهٔ علمای امامیه وضعی مشخص و شناسه‌ای واحد دارد، اما در باب مذاهب اهل سنت تا حدی متفاوت است و بررسی دیدگاه تمام مذاهب، در حد ظرفیت این نوشتار نیست؛ چنانکه سودمند نیست. از این رو، بر ارائه و نقد منظر کلامی و فقهی اندیشمندان سلفیه تأکید خواهیم نمود. دلیل گزینش نظریات سلفیان و تأکید بر آن، تأخر نسبی سلفیه و شدت مخالفت و کثرت استدلال آنان برای اثبات ممنوعیت ترجمهٔ قرآن است. با توجه به این وضع، دیدگاه و آثار سلفیه در واقع، مشتمل بر منطق و آثار مخالف از تمام عامه است. بدین منظور، پس از اشاره به تعریف و مراتب ترجمهٔ قرآن، پیشینهٔ مسئله و عوامل تشدید مخالفت با آن را بررسی می‌کنیم. در مرحلهٔ بعد، دیدگاه علمای اسلامی نسبت به جواز و

نبود جواز ترجمه قرآن را از منظر کلامی و فقهی ارائه و در ادامه، دیدگاه سلفیه را بررسی و به نقد آن خواهیم پرداخت.

۱- تعریف ترجمه قرآن و مراتب آن

درباره ترجمه قرآن تعریف‌هایی ارائه شده که در واقع، ترجمه قرآن «کوششی است برای بازگرداندن معانی قرآنی از اصل عربی به زبان‌های مختلف که با جلوه‌های مختلف تفسیری، ادبی و هنری قرین شده است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۷۳). در ترجمه، سه مرتبه لحاظ می‌گردد: لفظی، معنایی و تفسیری (ر.ک؛ جواهری، ۱۳۸۹: ۴۵). ترجمه لفظی را ترجمه «کلمه به کلمه یا تحت‌اللفظی» می‌گویند (ر.ک؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۴۶ و کانو محمد، ۱۴۳۲ق.:. ۴۵). در ترجمه معنایی، مترجم سعی می‌کند معنایی را از قالبی به قالب دیگر بریزد تا معنای مقصود کاملاً ادا شود (ر.ک؛ معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱: ۱۱۴) و در ترجمه تفسیری، مترجم به شرح و بسط مطالب می‌پردازد، منتها به زبانی غیر از زبان اصل (ر.ک؛ همان: ۱۱۵).

۲- پیشینه بحث ترجمه قرآن

در آغاز اسلام، مسلمانان به تجربه دریافتند که برای ایجاد ارتباط و درک متقابل میان سخن‌گویان زبان‌های متفاوت، فرایند «ترجمه» امری ضروری است. با توجه به منزلت قرآن کریم که نقطه ثقل متون معرفتی اسلام بود، احساس ضرورت ترجمه قرآن نیز تحقق یافت. به تدریج این احساس تعمق بیشتری یافت و به وادی نظری (کلامی) و عملی (فقهی) راه یافت. از قراین به دست می‌آید که ایرانیان در این عرصه پیشگام بودند (ر.ک؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۷۳) و نخستین ترجمه از تفسیر قرآن، از سوی ایرانیان انجام پذیرفت (ر.ک؛ همان، ج ۷: ۷۰).

به موازات فرایند ترجمه قرآن، دیدگاه‌های موافق و مخالف نیز همواره وجود داشته است. اما در یک قرن اخیر، شدت بیشتری یافته است. در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی،

مجمع استادان الأزهر از گمرک مصر خواست که نسخه‌های ترجمه انگلیسی قرآن، برگردان محمدعلی لاهوری را بسوزاند و شیخ محمد محمود شاکر و شیخ محمد حسنین مخلوف العَدَوی ترجمه، قرائت و کتابت قرآن به غیر زبان و خط عربی را حرام شمردند، لیکن بیان معانی قرآن و تفسیر آن به زبان‌های غیرعربی را به اجماع فقها جایز دانستند (ر.ک؛ مهنا، بی تا: ۱۴-۲۴) و شیخ محمد بَخیت المَطیعی حنفی بر جواز و ضرورت ترجمه قرآن به شرط (نظارت بر درستی ترجمه) فتوا داد (ر.ک؛ شلتوت، ترجمه القرآن...: ۱۳۰؛ الأزهر، س ۷: ش ۲ و حداد عادل، ۱۳۸۲، ج ۷: ۷۶).

بررسی دقیق نشان می‌دهد که در زمان معاصر، عمده‌ترین مخالفان، سلفیان هستند. در ادامه این نوشتار خواهیم دید که سلفیان، از جمله عثمان صافی، بیشترین تعداد دلیل مخالفت با ترجمه قرآن در مراتب آن را ارائه نموده‌است، هرچند که دلایلی سطحی و بی‌اساس است.

۳- عوامل تشدید مخالفت با ترجمه قرآن

با بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد مهم‌ترین عوامل مخالفت به صورت زیر است:

۳-۱) اقدامات خصمانه بیگانگان

از جمله عوامل مخالفت، اقدام افراد و جریان‌های بیگانه به ترجمه قرآن، به هدف ضربه زدن به قرآن و اسلام بوده‌است. تعداد این افراد و جریان‌ها کم نبوده و نیست (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۵۸). از جمله می‌توان به اقدامات مستشرقان، مبلغان دینی یهودی، مسیحی، قادیانی و بهایی اشاره کرد (ر.ک؛ آربری، ۱۳۸۳: ۲۱ و مهنا، بی تا: ۱۹۶). همچون انتشار ترجمه انگلیسی قرآن از سوی فرقه احمدیه به قلم محمدعلی لاهوری، ترجمه روبر کتونی به درخواست پیتر مقدس، راهب دیر کتونی، ترجمه آندرنآ آریوابنه به زبان ایتالیایی، ترجمه سالومون شوایگر آلمانی و یوهان البرشت ویدمنستتر اشاره کرد. وجه مشترک عموم این ترجمه‌ها مقابله با اسلام، اعتقادات امت اسلامی و ارائه تصویری

مخدوش از اسلام و مسلمانان به جهانیان بوده است (ر.ک؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۹۴-۱۰۲).

۲- تشدید حس ملی‌گرایی

عامل مؤثر دیگر، تشدید حس ملی‌گرایی عربی است (البته حس ملی‌گرایی در این زمینه، تأثیری دو جانبه داشته است). گسترش جریان شعوبی‌گری از آغاز سده ۲ هجری قمری، در نقاطی از جهان اسلام، موج مخالفت با ترجمه را در جهان اسلام برانگیخت (ر.ک؛ همان: ۷۴ و ۹۵). در قرن اخیر، اقدام رهبران ترکیه به ترکی نمودن قرآن، نماز و اذان، فرایند ترجمه قرآن را تقویت کرد. در همان حال، مخالفت شدید با ترجمه قرآن را باعث گردید (ر.ک؛ همان: ۷۹) و تشدید حس ملی‌گرایی اندیشمندان عرب را به جانبداری از منع ترجمه قرآن و پافشاری بر متن قرآن سوق می‌داد (ر.ک؛ همان: ۷۵).

۲-۳) تشدید اندیشه «سلفی و وهابیت»

این طیف فکری که تحجر و جمود خاص خود را دارد، از دیگر عوامل مخالفت با ترجمه قرآن است. البته شکل‌گیری اندیشه سلفیه، روند تدریجی داشته است و در دهه‌های اخیر، با تقویت همه‌جانبه آن از جانب حکومت سعودی، بر شدت آن افزوده شده است. برخی از افراد عبارتند از: ابن کلاب (متکلم معروف سده ۳ قمری)، احمد بن حنبل، ابن حزم اندلسی و ابن تیمیه. اجمالاً در طی قرون متمادی از تاریخ اسلام، اندیشه سلفی و وهابی، از شدیدترین عوامل مخالفت با ترجمه قرآن بوده است (ر.ک؛ همان: ۷۷).

۴- بررسی کلامی مسئله و ادله آن

بررسی جواز و نبود جواز ترجمه قرآن از منظر کلامی، علاوه بر آثار معرفتی و بینشی، پیامدهای فقهی دارد. بنابراین، دیدگاه کلامی هر فقیه مسلمان به ترجمه قرآن، اغلب تعیین‌کننده دیدگاه فقهی او نیز خواهد بود. از باب نمونه، گفته می‌شد که فتوای ابوحنیفه

برخاسته از آن است که وی اعجاز قرآن را تنها به معنا بازمی گرداند (ر.ک؛ همان: ۷۴). مؤید دیگر این ارتباط، اقدام ابو عبدالله جعل (د. ۳۶۹ ق.) به تألیف کتاب *جواز الصلاة بالفارسیه* است. این نویسنده، متکلمی معتزلی و فقیهی حنفی بود و کتاب وی تأییدی قاطع بر ترجمه قرآن در محافل معتزلی شمرده می شود (ر.ک؛ همان: ۷۵). همچنین، عمادالدین اسفراینی دیدگاه فقهی خود نسبت به ترجمه قرآن را مبتنی بر دیدگاه کلامی بیان نموده است (ر.ک؛ اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۹). در اینجا، مهم ترین دلیل هایی را که بر جواز، ترجیح یا ضرورت مسئله آمده است، ذکر می کنیم.

۱-۴) ادله کلامی

۱-۱-۴) جهانی بودن اسلام

یکی از دلایلی که به آن استناد شده، جهانی بودن اسلام است. لازمه ایمان به اسلام، معرفت و فهم آن است که آن هم برای غیر عرب زبانان متوقف بر ترجمه معارف اسلامی، از جمله قرآن است. جهان شمولی اسلام مبنای استدلال کلامی بر جواز ترجمه قرآن بوده است (ر.ک؛ حداد عادل، ۱۳۸۲، ج ۷: ۷۵؛ طبری، ۱۳۵۶، ج ۱: ۵؛ میبیدی، ۱۳۵۷، ج ۵: ۲۲۶؛ زمخشری، بی تا، ج ۲: ۵۳۹ و بیضاوی، ۱۴۱۸ ق.، ج ۱: ۵۲۴). نخستین منبع فارسی که به این امر استناد نموده، *تاج التراجم اسفراینی* (د. ۴۷۱ ق.) است که در آن، مبانی دینی ترجمه قرآن تبیین شده است. ابوالحسن بن بطلال، خواجه عبدالله انصاری، میبیدی، زمخشری و ابن حجر عسقلانی از کسانی هستند که به جهانی بودن اسلام استناد نموده اند (ر.ک؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۷۵ و ۷۷ و عسقلانی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۹: ۱۲).

۲-۱-۴) ضرورت دفاع از اسلام

دشمنان اسلام با شیوه های مختلف و گوناگون، ضد اسلام اقدام می کنند. بالطبع، وظیفه دفاع از اسلام در صورتی مقدور و مؤثر است که از شیوه متناسب و ابزار هم سطح خطر استفاده شود. اکنون یکی از روش هایی که دشمنان اسلام به کار گرفته اند، «ترجمه

قرآن کریم به صورت مجمل، مبهم، ناقص و تحریفی است. اگر منزلت و حضور قرآن در دین اسلام و امت اسلامی را در نظر بگیریم، خواهیم دید که دفاع و پیشگیری از اقدام خصمانه دشمنان، تکلیف الزامی و ضروری است.

موافقان ترجمه قرآن بر این باورند که اگر علمای اسلامی، قرآن را شایسته و درست ترجمه نکنند، قهراً مشتاقان آشنایی با قرآن ترجمه‌های نادرستی از قرآن را خواهند خواند. بنابراین، ضروری است که علمای مسلمان اقدام به ترجمه نمایند (ر.ک؛ سلماسی‌زاده، ۱۳۶۹: ۹ و الندوة الدولية حول ترجمة معاني القرآن الكريم، ۲۰۰۱م: ۸۲). از این سنخ ترجمه‌های نادرست، ترجمه‌های مبشران مسیحی، ترجمه‌های قادیانی‌ها به زبان ساحلی، ترجمه «جاک برک» (ر.ک؛ الندوة الدولية حول ترجمة معاني القرآن الكريم، ۲۰۰۱م: ۱۲۱، ۱۶۸، ... و ۱۷۱) و ترجمه آندریه شوراکی یهودی است (با ترجمه جاک برک، هر دو در سال ۱۹۹۱ میلادی منتشر شده‌اند) (الندوة الدولية حول ترجمة معاني القرآن الكريم، ۲۰۰۱م: ۱۹۱ و ۱۹۹).

□ بررسی

عثمان صافی که از مخالفان ترجمه است، می‌گوید راه برخورد، منع ترجمه و اعلام فاسد بودن این ترجمه‌ها است (نه اینکه مسلمانان ترجمه کنند) (صافی بدعیه: ۲۰۲). اما به نظر می‌رسد این گونه برخورد، اقدامی انفعالی، غیر کارآمد و نامناسب است، در حالی که دین اسلام منطقی قوی دارد و واقعیت‌های موجود، حاکی از آن است که فرایند ترجمه قرآن کریم و دیگر متون اصیل اسلام، یک نیاز جهانی است که باید به صورت صحیح تأمین گردد، نه آنکه از ترجمه پیشگیری و به اعلام فساد ترجمه‌های مغرضانه بسنده کنیم.

۴-۱-۳) فلسفه انزال قرآن

فلسفه انزال قرآن تبیین و روشن ساختن آن برای جهانیان است، نه اینکه صرفاً تلاوت شود و در انحصار عرب‌زبانان، قرار گیرد، بلکه همه کس باید بتوانند آن را درک کنند و

در اختیار داشته باشند و آیه ﴿وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾ (الأنعام/۱۹) و آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ (البقره/ ۱۵۹) گواه این مدعاست.

۴-۱-۱) ترغیب پیامبر^(ص) به تعلیم زبان سایر ملل

منقول است که نبی اکرم^(ص) اصحاب خود را ترغیب به تعلم زبان دیگر ملل می نمود. زیدبن ثابت را واداشتند که زبان عبری و سریانی فراگیرد و او این دو زبان را آموخت (ر.ک؛ عاملی، ۱۴۱۹ق.، ج ۶: ۳۳۴) و امر ترجمه قرآن به سایر زبانها می تواند از مصادیق این ترغیب باشد و ترجمه سوره مریم برای پادشاه حبشه که زبان «أمهری» داشت، از سوی جعفر بن ابی طالب دال بر جواز ترجمه قرآن است.

۴-۱-۵) ترجمه نامه های پیامبر^(ص)

نامه های پیامبر اکرم^(ص) به پادشاهان و سایر نامه های آن حضرت که به نقاط مختلف مرقوم داشتند، حاوی برخی آیات قرآن است؛ به عنوان نمونه، در نامه هایی که برای پادشاه حبشه فرستادند، این آیات به چشم می خورد: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ...﴾ (الحشر/ ۲۳) و ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ...﴾ (المائده/ ۷۷). گفته می شود فرستاده پیامبر^(ص) عمر بن امیه نامه را به زبانی که نجاشی می فهمید، قرائت کرد (ر.ک؛ نجار، ۱۳۸۱: ۲۳).

۴-۲) دلایل مخالفان ترجمه قرآن

شایان ذکر است که اگر فرایند ترجمه قرآن به گونه ای باشد که مراد و مضمون (محکم و مورد اتفاق در) آیه ای از قرآن را تحریف نماید، چنین اقدامی از نظر همگان ممنوع خواهد بود و مصداق «تحریف معنایی» و «نسبت کذب به خداوند» شمرده می شود. اما در صورتی که مترجم، مضمون و محتوای آیات کریمه قرآن را در قالب ترجمه بیان

کند و به مخاطب غیرعرب، تفهیم نماید، به گونه‌ای که مفسر قرآن به افراد عرب‌زبان تفهیم کند و تفاوت، فقط در قالب‌هاست، نه در انتقال، این فرض از ترجمه مورد نزاع موافقان و مخالفان است. در اینجا، دلیل‌هایی را که عموم مخالفان بدان‌ها استناد نموده‌اند، ارائه و بررسی می‌کنیم و دلیل‌های اندیشمندان سلفی را به طور خاص ضمن دیدگاه سلفیه بیان خواهیم نمود.

۴-۲-۱) دشوار بودن انتقال مفاهیم

انتقال مفاهیم قرآنی از طریق ترجمه به دیگر زبان‌ها امری دشوار است؛ زیرا یافتن الفاظ مرادف با الفاظ قرآنی در زبان‌های غیرعربی، درباره تمام الفاظ غیرممکن است. علاوه بر این، در برخی موارد، ممکن است مترجم اقدام به ترجمه حرفی (= لفظی) کند، اما مراد خداوند معنایی (غیرحرفی و) مجازی باشد (ر.ک؛ الندوة الدولية حول ترجمة معانی القرآن الکریم، ۲۰۰۱ م: ۹۷ و ۱۴۹).

○ حذف ارتباطات

در کار ترجمه قرآن، تعلقات، ارتباطات و اموری چون اسباب نزول که هر یک از آیات یا سوره قرآن، وابسته به آن‌ها نازل شده، نادیده گرفته می‌شود و این خطر بزرگی است که فهم تام و کامل آیات قرآن را تهدید می‌کند (ر.ک؛ همان: ۶۲).

○ حذف سنت

بسیاری از آیات و سوره‌های قرآن تعلق و وابستگی به سنت دارد که فهم درست قرآن بدون لحاظ نمودن سنت مقدور نیست و در فرایند ترجمه، این تعلق و وابستگی نادیده گرفته می‌شود (ر.ک؛ الندوة الدولية حول ترجمة معانی القرآن الکریم، ۲۰۰۱ م: ۶۵).

○ غفلت نسبت به قواعد

افزون بر آنچه گذشت، فهم قرآن بر قواعد لغوی، کلامی، فقهی و... متوقف است و ترجمه قرآن از این امر مهم بی بهره است (ر.ک؛ همان: ۶۶).

○ مخالفت اجماع

مخالفت اجماع با ترجمه قرآن نیز به عنوان یک دلیل تلقی شده است. مرغینانی، فقیه حنفی، در اثرش، التجنیس، کتابت قرآن به فارسی را منع کرده است و این حکم را منتسب به اجماع نموده است (ر.ک؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۷۶).

□ بررسی

به نظر می رسد دلیل های مذکور به پایه ای از اتقان نیست که صحت و جواز ترجمه را ابطال کند. درباره مشکل مرادف یابی باید توجه داشت که مترجم می تواند از همان راهکاری استفاده کند که در تفسیر قرآن به زبان عربی استفاده می شود. کاستی هایی که در دلیل های دوم، سوم و چهارم برای ترجمه ذکر شده است و به آنها استناد شده نیز مانع ترجمه قرآن نخواهد بود؛ زیرا این گونه کاستی ها و محدودیت ها به تناسب درباره دیگر کتاب ها و متون و ترجمه آنها به زبان دیگر وجود دارد. اگر اندیشمندان این امور را مانع می دانستند، راه ترجمه باز نمی شد و ملت ها از معارف، علوم و فرهنگ یکدیگر بهره نمی بردند. بدون تردید مسئله قرآن کریم و معارف و ترجمه قرآن، در سطحی فراتر از همه متون معرفتی بشر است و ترجمه نمی تواند به تنهایی تمام معارف قرآن را به زبان دیگر انتقال دهد، اما از باب «مَا لَأَيُّدْرَكُ كُلُّهُ لَأَيُّرَكُّ كُلُّهُ» باید انسان های نیازمند به معارف و هدایت های قرآن را از ترجمه قرآن محروم ننمود. مخالفت اجماع نیز از این باب است که نوشتن قرآن به رسم الخط فارسی مستلزم تغییر و تحریف لفظی در کتابت - و نیز قرائت - قرآن است؛ زیرا تعدادی از حروف زبان عرب در زبان فارسی وجود ندارد. بنابراین، کتابت قرآن به فارسی تحریف به نقیصه خواهد بود و تحریف لفظی قرآن به اجماع علمای اسلامی، ممنوع است. اما ترجمه، مصداق تحریف لفظی قرآن نیست.

بنابراین، اجماعی بر حرمت و منع ترجمه قرآن وجود ندارد.

۴-۲-۲) نظریه تفصیلی جواز و عدم آن

قائلان به تفصیل، برخی از مراتب ترجمه را جایز یا ضروری دانسته‌اند و برخی را منع نموده‌اند. اختصاراً تفصیل بین ترجمه لفظی و غیر آن، در آثار غزالی (ر.ک؛ الجام العوام: ۷۵)، نزد محمدطاهر کردی (ر.ک؛ تاریخ القرآن: ۱۹۰-۱۹۱)، زرقانی (ر.ک؛ مناهل العرفان، ج ۲: ۱۲۵-۷۶) و ذهبی (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۲۵ق.، ج ۱: ۲۴-۳۰) نمود یافته‌است و ضوابطی برای ترجمه تفسیری از سوی آنان ارائه شده‌است (ر.ک؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۷۹).

□ بررسی و نقد نظریه سلفیه

اما دیدگاه و ادله ارائه شده از جانب سلفیان در منع ترجمه قرآن مبتنی بر دیدگاه کلامی و فقهی آنان نسبت به خود قرآن است. بنابراین، باید پیش از هر چیز، دیدگاه آنان درباره قرآن بیان گردد و در ترازوی نقد قرار گیرد. سپس دلایل آنان بر حرمت و منع ترجمه قرآن نیز ارائه شود.

۵-۱) دیدگاه سلفیه نسبت به قرآن

دیدگاه سلفیه فرایندی از سه مقدمه است:

○ سلفیه یا فرقه ناجیه

سلفیان خود را مؤمنان واقعی می‌دانند و دیگر مسلمانان را منحرفان از اسلام تلقی می‌کنند. آنان عنوان «فرقه ناجیه» را بر خود منطبق می‌کنند و عنوان «اهل سنت و جماعت» را مرادف «فرقه ناجیه» و «سلفیه» قرار می‌دهند. در این زمینه، حتی اشاعره را نیز اهل سنت و جماعت نمی‌دانند (ر.ک؛ طعیمه، ۲۰۰۵م.، ۹-۱۳).

○ مخلوق نبودن قرآن

آنان در مواردی با الفاظ «غیرمخلوق» (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۸ق.، ج ۶: ۴۹۳)، «قدیم» و «صفة الله» از قرآن یاد می‌کنند (ر.ک؛ طعیمه، ۲۰۰۵م.، ۹-۱۳). احمدبن حنبل معتقدان به مخلوق بودن قرآن و کسانی را که در این زمینه متوقف یا بی‌نظر باشند، همگی را جهمی و کافر شمرده است (ر.ک؛ ابن حنبل، ۱۴۱۱ق.، ۴۹ و سبحانی، ۱۴۱۳ق.، ج ۱: ۲۰۶). حشویه (شاخه‌ای از حنابله و سلفیه) معتقدند که قرآن - قرآن خواندنی و نوشتاری - قدیم است، به همراه قدمت خداوند (ر.ک؛ قاضی، ۱۴۰۸ق.، ۵۲۷). نویسندگان سلفیه متأخر و معاصر، علاوه بر تأیید دیدگاه احمدبن حنبل و حشویه، بر غیرمخلوق بودن قرآن تصریح دارند و این را از ضرورت‌های اعتقادی خود می‌دانند (ر.ک؛ طعیمه، ۲۰۰۵م.، ۴۷۴ و الحوت، ۱۴۰۴ق.، ۷۰).

○ رد کلام نفسی

اگر نقدهای سلفیان نسبت به دیدگاه اشاعره را به تصریح‌های مذکور ضمیمه کنیم، عقیدهٔ سلفیان نسبت به قرآن روشن‌تر خواهد شد. آنان به اشاعره انتقاد می‌کنند که چرا اشاعره دو گونه کلام برای خداوند ذکر می‌کنند و چرا برای تمیز کلام نفسی خداوند از کلام لفظی، به شعر یک شاعر نصرانی به نام «أخطل» استشهاد می‌کنند! (ر.ک؛ طعیمه، ۲۰۰۵م.، ۴۷۴).

طبق این مقدمات، از نظر سلفیه، قرآن کلام و صفت خداوند و قدیم است و مراد از قرآن، قرآن خواندنی و نوشتاری است و اعتقاد به حدوث و مخلوق بودن قرآن، انحراف از عقیدهٔ فرقهٔ ناجیه - و موجب کفر - است.

□ بررسی و نقد

بیانات مذکور - علاوه بر دیگر ایرادها - مستلزم آن است که قرآن را «قدیم» بدانند و این به دلایلی، باطل و زیان‌آور است؛ از جمله:

○ لزوم تکفیر مسلمانان

هر کس معتقد به «قدیم بودن قرآن» نباشد، کافر شمرده شود و این وسیله کشتار مسلمانان به دست یکدیگر و تفرقه جهان اسلام خواهد شد. با کمال تأسف منطقی تکفیر را بزرگ حنبله، یعنی احمد بن حنبل و بزرگ اشاعره، یعنی ابوالحسن اشعری پایه نهادند. اشعری تصریح نمود: «و نقول إن القرآن كلام الله غير مخلوق و إنَّ مَنْ قال بخلق القرآن، فهو كافر» (اشعری، ۱۳۹۷ق: ۲۱ و سبحانی، الالهیات، ج ۱: ۲۰۶). بیان احمد بن حنبل نیز مثل بیان اشعری است: «... و مَنْ لم يكفر هؤلاء القوم كلهم فهو مثلهم...» (ابن حنبل، ۱۴۱۱ق: ۴۹ و سبحانی، ۱۴۱۳ق: ۲۰۶). اکنون به وسیله فرقه‌های مختلف سلفیه در حال اجراست.

○ لزوم تعدد قدماء

قدیم پنداشتن قرآن، مخالف اجماع علمای اسلامی است که تعدد قدیم را کفر می‌دانند و این گونه اعتقاد بود که باعث کفر نصاری گردید (ر.ک؛ سبحانی، ۱۴۱۳ق: ۲۰۸).

○ ناهماهنگی با واقعیت قرآن

واقعیت قرآن بدین گونه است که از اصوات و حروف ترکیب شده است و در فرایند تلفظ، با آمدن هر لفظ، لفظ سابق محو می‌گردد و چیزی که قدیم باشد، محوشدنی نیست.

○ نسبت کذب به خداوند

خداوند خبر از وقوع حوادثی در برهه‌هایی از زمان می‌دهد. نمونه آن خبر از ارسال نوح^(ع) در زمان گذشته به سوی قوم نوح است (نوح/۱). اگر قرآن قدیم باشد، لازم است این خبر و امثال آن دروغ باشد و این نسبت به خداوند سبحان، قبیح و محال است.

○ لزوم عبث بودن احکام قرآنی

لازم است فرمان خداوند به اقامه نماز، دادن زکات و... از ازل باشد. پیش از آنکه انسانی مکلف وجود داشته باشد و چنین اقدامی از خداوند عبث و بیهوده است و خداوند از اقدام به کار عبث، منزّه و وارسته است.

○ تضاد با آیات قرآن

قرآن کریم خود را «مُحَدَّث» معرفی نموده، فرموده است: ﴿مَا يَأْتِيهِمْ مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ﴾ (الأنبياء/۲) و مراد از ذکر، خود قرآن است (الزخرف/ ۴۵ و الحجر/ ۱۰). بنابراین، ادعای قدیم بودن قرآن، مخالف نص قرآن کریم است.

۲-۵) دیدگاه سلفیه نسبت به ترجمه قرآن

چنانکه در پیشینه بحث گذشت، افراد زیادی از سلفیان درباره مسئله «ترجمه قرآن» موضع مخالفت گرفته‌اند، اما در سال‌های اخیر، عثمان صافی از کسانی است که شدیدترین مخالفت را ابراز کرده، بیشترین دلیل‌ها را بر حرمت ترجمه ارائه نموده است. از این رو، دلایل نامبرده را ارائه و ارزیابی می‌کنیم.

○ حرمت نسبت دادن ترجمه به خدا

فرایند ترجمه مستلزم آن است که آنچه از قرآن به زبان دیگر ترجمه شده، به خداوند متعال نسبت دهیم و این کار، نسبت دادن چیزی از غیر خداوند به اوست و آیات قرآن کریم این گونه نسبت به خداوند را حرام شمرده‌اند (ر.ک؛ صافی عثمان، ۱۴۱۳ق: ۵۴).

□ بررسی

در این استدلال، سعی شده به آیاتی از قرآن کریم استناد گردد، اما از چند جهت

نادرست است. نخست آنکه نزدیک‌ترین دیدگاه به دیدگاه سلفیه را اشاعره دارند و آنان کلام لفظی را کلام حقیقی خداوند نمی‌دانند (ر.ک؛ طعیمه، ۲۰۰۵م: ۴۷۴). دیگر اینکه این استدلال از نظر عموم خردمندان نقض شدنی است که هرگز ترجمه را به جای اصل نمی‌دانند. اسفراینی در پاسخ به غالیان که ترجمه قرآن را قرآن شمرده‌اند، می‌گوید: «اگر ترجمه شعر، شعر نیست و ترجمه شعر است. پس ترجمه قرآن نیز قرآن نیست، بلکه ترجمه قرآن است» (اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۰). بنابراین، عموم آشنایان به قرآن و ترجمه، ترجمه قرآن را از متن قرآن متمایز می‌دانند. همچنین، از نظر متکلمان و مفسران اسلامی، مبنا و اساس دیدگاه سلفیه درباره حقیقت قرآن کریم، باطل است. در پاسخ به یکی از دلایل مخالفان، بطلان این دیدگاه بیان شد (ر.ک؛ سبحانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱: ۲۱۳ و اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۸).

○ حرمت بدعت در صفات الهی

ترجمه قرآن مستلزم آن است که صفات خداوند از الفاظی که خاص آن‌هاست (الفاظ منزل بها)، به الفاظ دیگر تبدیل گردد و در این کار، خطر بدعت آوری در توصیف خداوند وجود دارد؛ زیرا فاقد مبدء و حیاتی است (ر.ک؛ صافی عثمان، ۱۴۱۳ق: ۶۲ و ۱۹۶).

□ بررسی

این استدلال نیز مخدوش است؛ زیرا ترجمه قرآن متمایز از اصل قرآن است و قرآن گفتاری و نوشتاری صفت ذات خداوند نیست که تبدیل درباره آن تصورپذیر باشد. گذشته از این، بدعت تعریف مشخصی دارد که بر ترجمه صادق نیست.

○ ممنوعیت نسبت دادن غیرعربی به خداوند

قرآن خطابی از خداوند و مخصوص قوم پیامبر است و خطاب و کلام خداوند به زبان عربی است، اما ترجمه کلامی غیرعربی است. بنابراین، نمی‌توان ترجمه را به خداوند نسبت داد (ر.ک؛ صافی عثمان، ۱۴۱۳ق: ۷۵ و ۹۴).

□ بررسی

چنانکه پیش از این ذکر شد، در فرایند ترجمه، هدف تبدیل و شبیه‌سازی قرآن نیست و بر همه روشن است که از طریق ترجمه بخشی از معانی و مفاهیم انتقال می‌یابد و ترجمه هیچ‌گاه جانشین مطلق و بدیل اصل نیست. بنابراین، انتساب پیش نمی‌آید.

○ لزوم حفاظت از بُعد اعجاز قرآن

قرآن معجزه الهی است و در وضعیت خاص خود، نامحدود و قادر به تحدی و اظهار عجز دیگران است. پس قابل ترجمه نیست؛ زیرا هر زبان دیگر محدود است. از سوی دیگر، با ترجمه، شأن تحدی قرآن از دست می‌رود؛ زیرا امکان آوردن ترجمه‌هایی مشابه ترجمه قرآن وجود دارد (ر.ک؛ صافی عثمان، ۱۴۱۳ق: ۶۷، ... و ۲۰۸ و رشیدرضا، ۱۳۴۴ق: ۶۴).

□ بررسی

این نگرش، معلول آن است که اعجاز و تحدی قرآن را منحصر به اعجاز لفظی قرآن شمرده‌اند، در صورتی که قرآن کریم در بُعد محتوایی نیز معجزه است و در ترجمه، بُعد محتوایی قرآن به قوه خود باقی است. علاوه بر این، استفاده از قرآن کریم، منحصر به سطح اعجاز آن نیست و شناخت معارف قرآن از طریق ترجمه در سطحی پایین‌تر نیز سودمند و زمینه‌ساز توجه به سطح اعجازی قرآن خواهد بود.

○ ترجمه، مصداق بدعت

تعریف «بدعت» بر فرایند ترجمه قرآن منطبق است. بنابراین، از نظر کلامی و فقهی، حرام است. ممکن است تصور کنند که ترجمه وسیله‌ای برای دعوت به دین است، اما این تصور باطل است؛ زیرا در عصر تشریح از ترجمه به عنوان ابزار تبلیغ استفاده نشده که این خود دلیل حرمت آن است و ترجمه لفظی، معنایی و تفسیری همگی حرام هستند (ر.ک؛ صافی عثمان، ۱۴۱۳ق: ۸۸ و ۱۹۴).

□ بررسی

فقه‌های اسلامی بدعت را «ادخال ما لیس من الدین فی الدین» تعریف می‌کنند. این تعریف بر ترجمه منطبق نیست. از سوی دیگر، بی‌تردید در عصر تشریح از راهکار ترجمه برای تبلیغ استفاده می‌نمودند. پیامبر اسلام^(ص) و خلفا نمایندگان و مبلغانی به سرزمین‌های اطراف می‌فرستادند و آنان پیام‌ها و نامه‌ها را از طریق ترجمه به حاکمان و رهبران ایران، روم و... ابلاغ می‌کردند و مسلمانان غیرعرب نیز از راهکار ترجمه بهره می‌بردند. بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که ترجمه قرآن یا روایات دینی، بدعت در دین و حرام باشد.

○ مخالفت با سنت

بر طبق قاعده «عدم التکلیف مع وجود مقتضیه هو التشریح بعدم الفعل» ترجمه قرآن دلیلی از سنت ندارد؛ زیرا در زمان پیامبر^(ص) و صحابه زمینه استفاده از ترجمه قرآن وجود داشت. با عین حال، شارع دستور به ترجمه نداده است. بنابراین، ترجمه قرآن مخالف با سنت است و نمی‌توان ترجمه قرآن را بر عنوان «مصلحت» منطبق نمود، بلکه مصلحت در اجتناب از ترجمه است (ر.ک؛ صافی عثمان، ۱۴۱۳ق.:. ۱۰۶، ... و ۱۹۷).

□ بررسی

به نظر می‌رسد این ادعا، دور از واقعیت است و ترجمه قرآن منطبق با سنت است؛ چنانکه در پاسخ دلیل پنجم ذکر شد، در عصر پیامبر^(ص) و صحابه، ترجمه آیات قرآن و روایات انجام می‌گرفت. شاید در عصر تشریح، کمتر نیاز به ترجمه بود، اما این امر اختصاص به مسئله ترجمه ندارد و مانع جواز ترجمه قرآن نیست. بنابراین، استدلال به قاعده «عدم تکلیف» پذیرفته نیست.

○ الغا و تعلیق برخی احکام

برخی احکام دینی که مرتبط با نص قرآن کریم است، چون موضوع آن‌ها (متن

قرآن) منتفی می‌گردد، آن احکام (از قبیل کسب طهارت، سجده تلاوت، قرائت در نماز و...) نیز ملغی و تعطیل می‌گردد (ر.ک؛ صافی عثمان، ۱۴۱۳ق: ۹۷؛ رمضان، ۱۹۹۸م: ۳۸۴).

□ بررسی

از دیدگاه کلامی و فقهی، افراد ملزم به ایجاد تکلیف بر خود نیستند، بلکه اگر تکلیفی بر ذمه فرد قرار گرفت، باید به آن عمل کند. این نکته در روایات از طریق عامه و خاصه بیان شده است (ر.ک؛ نهج البلاغه / ح ۱۰۵). احکامی برای متن قرآن وجود دارد که درباره ترجمه قرآن نیست. هر جا افراد به ترجمه قرآن مراجعه نمودند، ملزم به رعایت تکالیف قرآنی نیستند. البته هرگز جایز شمردن ترجمه قرآن به معنای بی‌نیازی از متن قرآن نیست.

○ خطر تحریف

یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های احتمالی به اسلام و قرآن، همواره خطر تحریف قرآن بوده است. ترجمه قرآن (لفظی یا معنایی و یا تفسیری)، امکان تحریف قرآن را ایجاد می‌کند و چنین اقدامی جایز نیست (ر.ک؛ صافی، بدعیه: ۱۵۲ و السعید، فتاوی: ۱۴۷).

□ بررسی

امکان تحریف از طریق ترجمه، امری انکارناپذیر است، اما با توجه به اینکه خطر تحریف قرآن طبعاً از طریق دشمنان وجود دارد، باید از اقدام آنان پیشگیری نمود. بدیهی است که این امر با منع ترجمه محقق نخواهد شد. اگر علمای صاحب‌نظر اسلامی اقدام به ترجمه صحیح قرآن نکنند، بیگانگان و نویسندگان معاند، ترجمه‌های ناقص و تحریف‌شده از قرآن ارائه خواهند نمود. بنابراین، برای مقابله با تحریف قرآن، باید قرآن را به روش صحیح ترجمه نمود و منع از ترجمه، خود زمینه‌ساز تحریف خواهد بود.

○ تقویت باطل

ترجمه قرآن اولاً باعث تقویت و حمایت زبان‌های غیراسلامی است. ثانیاً باعث تقویت و انتشار باطل است. بنابراین، از ترجمه قرآن باید اجتناب نمود (ر.ک؛ صافی عثمان، ۱۴۱۳ق: ۲۲۴).

□ بررسی

راهکار ترجمه دو اثر اصلی و ضمنی دارد. اثر اصلی، انتقال محتوا و پیام از زبان مبدأ به مخاطبان در زبان مقصد است و اثر ضمنی ترجمه تقویت زبان مقصد است که نوعاً کمتر از اثر اصلی است. این امر در ترجمه قرآن کریم، بیش از آنکه باعث تقویت زبان غیرعربی باشد، باعث نشر معارف الهی و هدایت مردم به اسلام است. می‌توان گفت ثمرات مثبت ترجمه قرآن به حدی است که تأثیر آن بر تقویت زبان غیرعربی قابل ذکر نیست (ر.ک؛ کانو محمد، ۱۴۳۲ق: ۲۱۳).

نتیجه‌گیری

۱- آیین اسلام همگانی و جهان‌شمول است و اصول و معارف آن در قرآن کریم بیان شده‌است، اما شناخت محتوا و مضامین قرآن برای افراد غیر عرب‌زبان تنها از طریق «ترجمه قرآن» میسر است.

۲- اندیشمندان اسلامی از دیرباز با مسئله «ترجمه قرآن» مرتبط و مواجه بوده‌اند و دو نگرش موافق و مخالف با این مسئله در میان آنان وجود داشته‌است و از دو منظر کلامی و فقهی به اثبات موافقت یا مخالفت خود پرداخته‌اند.

۳- جهانی بودن اسلام و ضرورت دفاع از اسلام، از جمله دلایل موافقان ترجمه قرآن است و در مقابل، اقدامات خصمانه بیگانگان، تهییج حس ملی‌گرایی و اندیشه سلفی از عوامل تشدید مخالفت با مسئله «ترجمه قرآن» در دهه‌های اخیر بوده‌است.

۴- در زمان معاصر، نویسندگان و قرآن پژوهان سلفی شدیدترین مخالفت را با ترجمه قرآن به کار برده‌اند و به زعم خود، دلیل‌های بسیاری ارائه نموده‌اند که مخدوش بودن و قابل نقد بودن هر یک از آن‌ها روشن گردید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آربری، آرتور جان. (۱۳۸۳). «خدمت و خیانت مترجمان قرآن». ترجمه محمدرسول دریایی. تهران: نشر اندیشه اسلامی.

ابن تیمیه، تقی‌الدین. (۱۴۰۸ق.). *الفتاویٰ الكبرى*. تحقیق عبدالقادر عطا. ط ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن حنبل، احمد. (۱۴۱۱ق.). *اصول السنة*. جدّه: دارالمنار.

ابن العربی، محمد. (۱۴۲۵ق.). *احکام القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.

اسفرائینی، ابوالمظفر شاهفور. (۱۳۷۵). *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

اشعری، علی بن اسماعیل. (۱۳۹۷ق.). *الإبانة الأصول الديانة*. قاهره: دارالأنصار.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۷۶). *قرآن ناطق*. بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق.). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جواهری، سید محمدحسن. (۱۳۸۹). *درسنامه ترجمه*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۲). *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۷. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

حمّود، محمد جمیل. (۱۴۲۱ق.). *الفوائد البهیة*. بیروت: مؤسسة الأعلمی.

الحوت، محمد بن درویش. (۱۴۰۴ق.). *رسائل فی بیان عقائد اهل السنة والجماعة*.

بیروت: عالم الكتب.

ذهبی، محمدحسین. (۱۴۲۵ ق.). *التفسیر و المفسرون*. قم: آوند دانش.

رشیدرضا، سیدمحمد. (۱۳۴۴ ق.). *ترجمة القرآن... الإسلام*. مصر: مكتبة الوفاء.

رمضان، نجدة. (۱۹۹۸ م.). *ترجمة القرآن الكريم وأثرها في معانيه*. دمشق: دارالمحبة.

زمخشري، جارالله محمود. (بی تا). *الكشاف*. بیروت: دارالمعرفة.

سبحانی، جعفر. (۱۴۱۳ ق.). *الإلهيات*. به قلم حسن عاملی. ج ۱. قم: المركز العالمي

للدراسات الإسلامية.

السعيد، صلاح الدين محمود. (بی تا). *فتاوى العلماء حول القرآن الكريم*. الإسكندرية:

دارالإيمان.

سلماسی زاده، جواد. (۱۳۶۹). *تاریخ ترجمة قرآن در جهان*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

شلتوت، محمود. *ترجمة القرآن ونصوص العلماء فيها*. قاهره: الأزهر.

صافی عثمان، عبدالقادر. (۱۴۱۳ ق.). *بدعية ترجمة القرآن الكريم*. بیروت: المكتبة

الإسلامی.

طبری، محمدبن جریر. (۱۳۵۶). *ترجمة تفسیر طبری*. تصحیح حبیب یغمایی. تهران: نشر

توس.

طعیمه، صابر عبدالرحمن. (۲۰۰۵ م.). *المتكلمون في ذات الله و صفاته*. قاهره: مكتبة

مدبولی.

عاملی، جعفر مرتضی. (۱۴۱۹ ق.). *الصحيح من سيرة النبي الأعظم*. اصفهان: نشر

سحر گاهان.

عسقلانی، احمدبن حجر. (۱۴۱۰ ق.). *فتح الباری*. بیروت: دارالکتب العلمیة.

غزالی، محمد. (۱۴۱۳ ق.). *المستصفی*. به کوشش محمد عبدالسلام عبدالشافی. بیروت: دار

الکتب العلمیة.

قاضی، عبدالجباربن احمد. (۱۳۸۰ ق.). *المغنی فی ابواب التوحید والعدل*. تحقیق ابراهیم

الأبیاری. القاهرة: بی نا.

- _____ . (۱۴۰۸ق.) *شرح الأصول الخمسة*. تحقیق عبدالکریم عثمان. القاهرة: مكتبة الوهبة.
- کانو محمد، محمود. (۱۴۳۲ق.) *ترجمة القرآن الكريم بين الحضرة والإباحتة*. امارات عربی متحده دُبی: جمعية دارالبر.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۷). *تفسیر و مفسران*. ترجمه علی خیاط. قم: مؤسسه التمهید.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۷). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. ج ۱۵. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- مهنا، احمد ابراهیم. (بی تا). *دراسة حول ترجمة القرآن الكريم*. قاهره: دار الشعب.
- میبدی، ابوالفضل. (۱۳۵۷). *كشف الأسرار و عدة الأبرار*. تصحیح علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نچار، علی. (۱۳۸۱). *اصول و مبانی ترجمه قرآن*. رشت: انتشارات کتاب مبین.
- الندوة الدولية حول ترجمة معاني القرآن الكريم*. (۲۰۰۱م.). لیبی: جمعیت دعوت جهانی اسلام.